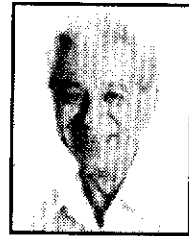


دیپلماسی شور و شیرین غرب و طاووس دموکراسی



دکتر کاظم ودیدی



آمریکاییان در کار خاورمیانه به اصطلاح **بزرگ** خود چنان تند و پر دامنه عمل کرده‌اند که راه را بر هر نوع صلح و امنیت فوری بسته‌اند. در عین حال اینک چنان ابواب مذاکره و مدارا را گشوده‌اند که تصور هر جنگ و زد و خورد تازه غیر ممکن فرض می‌شود.

ابتداریچارد پرل R. Perli به امید استقبال هزاران هزار نفری مردم عراق از قشون آمریکا تجسمی خام از خود نشان دادند پس سیاست جنگ یک طرفه غلبه کرد در کار عراق. و اینک که شگرد سیاسی آیت‌اله سیستانی کفه ترازوی سیاسی را به سود شیعیان بر کشیده است تصدیق روی تصدیق می‌کنند که نظریه **Domino** یعنی سقوط پی در پی نظام‌ها در کشورهای خاورمیانه فکر عبثی بیش نیست. پس باید به مذاکره نشست. و این مذاکره را هم دو مشکل مانع می‌شود یکی شرط و شروط قبلی مثلا در مورد صنایع هسته‌ای ایران و دیگر پنهان داشتن واقعیات در باب عربستان سعودی و اهمیت تسلط بر ذخایر نفت عراق. بر این‌ها بیفزایید نقش اتحادیه اروپا را که می‌خواهد نرم نرمک از خود قدرتی اخلاقی ارایه دهد تا همان چیزی را که آمریکا به زور از خاورمیانه بزرگ می‌طلبند او به صلح و بی‌توسل به هزینه‌های نظامی بدست آرد.

در حل این مشکلات است که دیپلماسی شور و شیرین آمریکا طی دو دوره ریاست جرج واکر بوش تبدیل به دیپلماسی شمع و پرچم و تظاهر و حرکت شده است. مرگ ناگهانی عرفات و قتل غیر مترقبه‌ی رفیق حریری کمک فوق‌العاده‌ای به این سیاست کرد که مظاهر آن را در بیروت و فلسطین شاهدیم. می‌گویند انتخابات شهرداری‌های چند شهر عربستان سعودی را که طی آن اسلام‌گرایان تندرو انتخاب شدند و به انجمن‌های چند شهر رفتند را هم باید به حساب باز شدن افق نهاد. ولی اولاین انتخابات جز نیمی از اعضای انجمن شهرها را در بر نگرفته و بقیه اعضا انتصابی‌اند. ثانیاً مشکل عربستان در عدم

شفافیت امور مالی است و نیز در اجرای عدالت شرعی. (رجوع کنید بر سیبل تفنن به کتاب خانم کار من بن لادن Levoil Dechire چاپ Faxard و نیز چاپ انگلیسی آن - که هر چند داستان شخصی است ولی پر است از داده‌های اجتماعی - مالی و سیاسی در باب سعودی‌ها و بن‌لادن‌ها). به هر حال آقای P. Prier نماینده فیگارو گزارش کرده است که در این انتخابات تنها ۱۳ درصد رای دهندگان بالقوه مشارکت کردند در شهر ریاض.

از پس زورآزمایی‌های افراطی آمریکاییان در عراق و افغانستان سوء تفاهمات و بی‌اعتمادی‌ها ظهور کرد و مذاکرات کش دار شد و جنگ سرد رخ نمود به حدی که وساطت‌های مکرر اروپاییان هم لنگ زد و ایر تردید بر همه مذاکرات سایه انداخت. علت آن بود که آمریکاییان دم از انقلاب دموکراتیک جهانی می‌زدند به این معنی که هدف نه نفت است نه خاورمیانه، بلکه هدف بسط دموکراسی در سراسر کره‌ی ارض است که موضوع کتاب آقای شارانسکی A. Sharanski وزیر دولت شارون است. یکی از مباحث موضوع کتاب سخنان آقای P. Wol Fowitz است که به قرار پرزیدنت آمریکا آن را خوانده و تحسین کرده است. توضیح آن که آقای پل ولفوویتز که فرد دوم وزارت دفاع

وقتی کشوری مثل روسیه از به کار بستن ضوابط دموکراتیک نوع غربی ناتوان است نمی‌توان توقع انقلاب دموکراتیک در خاورمیانه داشت



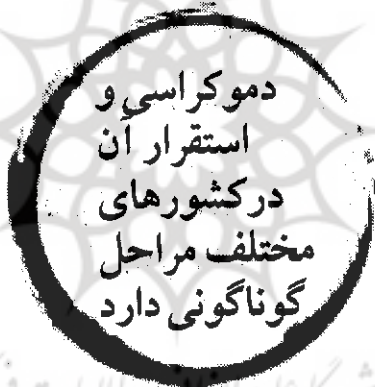
آمریکا و طراح جنگ یک طرفه عراق است و اخیراً به ریاست بانک جهانی برفت می‌گوید: برنامه انقلاب دموکراتیک جهانی آمریکا زمان درازی می‌طلبد و بیش از جنگ جهانی دوم اهمیت دارد. پس آنها «اروپاییان» که درصدد دو قطبی کردن جهان‌اند وقت بسیاری برای صبر کردن دارند. بررسی‌ها نشان داده است که پایه انقلاب دموکراتیک جهان که نزد آمریکاییان ضروری است از جمله برین واقعیت قرار دارد که در جهان امروز ۴۳ نظام دیکتاتوری در ۴۳ کشور جهان وجود دارد. ضمناً ۲۳ کشور از کل آن ۴۳ کشور دیکتاتور در خاورمیانه قرار دارند. دوم آن که دوران حمایت از دیکتاتورها به بهای نفت روان و فراوان و ارزان در سایه امنیت تمام شده است. حال چرا حتماً باید انقلاب دموکراتیک جهان از خاورمیانه شروع شود ظاهراً سوال مهمی نیست؛ ولی شارانسکی مثل بسیاری دیگر از محققان می‌بیند که آمریکا انقلابی شده است و اروپای انقلابی، محافظه‌کار. حقیقت آن است که انقلاب دموکراتیک جهان

ریشه در نظریه ریگان و ثئوریگانسیم دارد. شوروی‌ها که تز انقلاب جهانی سوسیالیستی را طرفدار بودند ریگان را به بیان تئوری انقلاب دموکراتیک جهانی وا داشتند. چیزی که عوض شده اینست که شوروی همراه تز خود برفت ولی آمریکا سر حرف خود باقی است و طبعاً تز انقلاب دموکراتیک جهان برای حداقل یک قرن می‌تواند سروری آمریکا را تضمین کند. و این امر اروپا را می‌ترساند پس یا باید همکاری و هم‌رزمی کند در هر جا که منافع آمریکا اقتضا کند یا باید دایماً در موضع مخالفت با آمریکا بسر برد. اگر همکاری کند تأیید سیاست زور است و اگر مخالفت کند نطفه شورش در رحم کشورهای جهان سوم می‌نهد. درین میان کشورهایی مانند روسیه و یا

چین که از دیکتاتوری رها و به دموکراسی نرسیده ولی دور از تشمت هم نمی‌توانند حکومت کنند سر بلند خواهند کرد. پس اهداف دور مدت آمریکا شناخته شده‌اند ولی در رابطه با انقلاب استقرار دموکراسی متزلزل می‌شود.

احتیاط علمی

باید دید دموکراسی مورد نظر آمریکا چگونه دموکراسی است؟ اگر به نظرات سازمان ملل اتکا کنیم می‌بینیم که جهان در فقر و فقدان و کمبود دموکراسی است (گزارش PUND) به خصوص در جهان عرب. برابر گزارش برنامه سازمان ملل برای توسعه که پنجم آوریل در امان ارایه شد ضرورت تحول محسوس است. بدون تردید این گزارش در راستای همان بررسی با آمریکا است که در باب ۴۳ رژیم دیکتاتوری ذکر آن را کردیم. از جمله مؤثران در گزارش PUND نادر فرغانی (محقق مصری) است که می‌گوید: «باید در کار تحقق دموکراسی



در کشورهای اسلامی از یک مرحله بینابینی حتی نظام دموکراتیک اسلامی بیمی به خود راه داد. این سخن درست و به حق است. و قبول افتاده در مورد افغانستان و عراق که فعلاً هر طور انتخابات صورت گیرد مسلمانان آن را می‌برند. در مصر به نظر همان محقق انتخابات آزاد به سود کامل اخوان المسلمین است ولی اعضای این گروه بین خود به اعتدال می‌روند و رد و نهی و نفی آن‌ها را خشن کرده است (به نقل از نادر فرغانی).

پس دموکراسی و استقرار آن در کشورهای مختلف مراحل گوناگونی دارد. امروز قبول آن مراحل را باید کرد تا وعده بیهوده و بی‌پشتوانه به مردم نداده باشیم. در هفته‌های اخیر بسیاری از سازمان‌های مقیم خارج از ایرانیان اعلامیه‌ها در

شرح اصول اعتقادی خود داده و همه جابر جنایی دین و دولت و بر قبول حقوق بشر به صراحت تکیه کرده‌اند. چگونه ممکن است در شرایط کنونی تحقیقات محققان را مبنی بر این که در خاورمیانه سر راست و یک‌شبه نمی‌شود به دموکراسی رسید نادیده گرفت؟ ما باید حرمت دین را عنوان کنیم.

برگردیم به عراق

امروزه بیش از یک ماه از افتتاح مجلس عراق می‌گذرد و گروه‌های منتخب مردم - به سختی موفق به تشکیل دولت شده‌اند. زیرا شعارهای داده شده از سوی گروه‌ها با حقیقت و ماهیت این انتخابات تطبیق نمی‌کند. سنی‌ها و شیعه‌ها از مصدر سنی‌گری و تشیع حرف می‌زنند و کردها از مأخذ و مصدر قومیت خود.

در مورد کردستان خودمختار عراق Oberle Thiery در فیگارو (۱۵ مارس) می‌نویسد کردها امیدوارند ۲۸۰ هزار عرب را از شهر کرکوک بیرون کرده به جای آنها یک صد هزار کرد را از نقاط دیگر جانشین آنها کنند. کردها به ماده ۵۳ قانون اساسی متکی هستند. ولی آیا این قبیل اعمال دموکراتیک است؟ آیا عملی است؟ مسلمانان اساسی عراق مثل قانون اساسی افغانستان در شرایطی استثنایی و اضطراری نگاشته شده است. ولی امروزه آن زیانی که مطرح است نتیجه خبط آنهاست که احتیاط علمی نکرده و گز نکرده پاره کرده‌اند. در موارد دیگر کردها بهتر عمل کرده‌اند. مثلاً شیعیان از مشارکت زنان در امور اجتماعی کمتر طرفداری می‌کنند ولی کردها از هزاران سال پیش حق و حقوق اجتماعی زنان را در مساوات آنها با مردان دیده‌اند پس این مورد فرهنگ کردی به آنها می‌دهد داده است نه دموکراسی اهدایی.

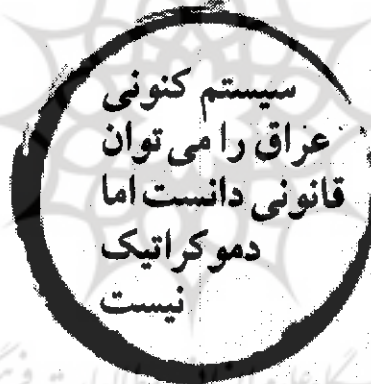
همه می‌دانیم که صدام در بعضی مناطق، کردزدایی می‌کرد پس امروز آنها که به بهانه آن عمل صدام عرب‌زدایی می‌کنند. آیا به سوی دموکراسی می‌روند؟ این اقدام که در تضاد است با اصول حقوق بشر که سنگ آن را به سینه می‌زنند. قضیه‌ی اخراج ۲۸۰ هزار عرب از کرکوک حساس است و مباد آن که دامن مبارزان کرد دموکرات را بگیرد. البته آمریکا و متحدانش با موافقتش به همراه سازمان ملل مسولیت دارند. زیرا در آمریکا افکار عمومی در تب عراق می‌سوزد (۵۳ درصد آمریکاییان معتقدند جنگ عراق قابل توجه نیست و ۷۰ درصد آمریکاییان معتقدند این جنگ به مرگ آن ۱۵۰۰ سرباز کشته شده نمی‌ارزد.) و بعد ازین حرف‌ها افکار عمومی



کردند. سایه تردید بر امید به عادی شدن روابط با اسرائیل افتاد زیرا همه جا صحبت ازین است که نظام‌های دیکتاتوری خاورمیانه یکی پس از دیگری ور خواهند افتاد. به همین دلیل رییس جمهوری لبنان و امرای عرب و شاه اردن در آن شرکت نکردند. حاضران هم بسیار از سیاست آمریکا و اسرائیل انتقاد کردند و همبستگی سوریه و لبنان را تایید کردند. اینها همه نشانی است از تردیدهایی که در اذهان است و حساسیت به حرمت استقلال عمل در هر کشوری.

رییس جمهوری الجزایر ناتوانی اجلاس را در اخذ تصمیم تصدیق می‌کند. کار به آن جا کشید که از ملقمه دو کشور فلسطین و اسرائیل با اسم ساختگی Isratine (اسراطین) هم به شوخی یاد کردند.

دخالتهای سیاست کشورهای خاورمیانه شوم است اگر این دخالت‌ها نبود بسیاری از این کشورها امروز به دموکراسی نزدیک‌تر بودند و ایران قبل از



می‌سوزد از باب آن هزینه ۴۰۰ میلیارد دلاری به استناد پیشگویی موسسه بروکلین. و بالاخره ۴۱ درصد آمریکاییان معتقدند که کار عراق موضع و موقع آمریکا را در جهان تضعیف کرده است. اینست که آمریکا مسوولیت دارد نگذارد در عراق تبعیضات به نام دموکراسی نیم بند جا افتد. مردم خاورمیانه نه از حرکت به سوی دموکراسی بیم دارند و نه در مبارزه علیه نظام‌های خودسر کشورهای این خطه. دلواپسی بزرگ این ملت‌ها پایمال شدن استقلال و عزت نفس آنهاست. آنها از تمام این دول معظم دموکرات که داعیه دموکرات کردن این خطه را دارند در گذشته دور و نزدیک زیان و ضرر دیده‌اند. مورد لبنان که در زمان استعمار تحت قیمومیت آنها بود مثالی است روشن. این کشور که ۳۰ سال است به وسیله سوریه در اشغال نظامی است پیش از سال‌های ۲۰ و قبل از استقلال نیم بند در اشغال ملل معظم دموکرات بود و پس از رفع استعمار هرگز دول بزرگ در این کشور دست از رقابت بر نداشتند. امروزه حس میهن‌پرستی و عشق به استقلال همه گروه‌های رقیب را به هم نزدیک کرده است ولی آمریکا و فرانسه و دیگران دست از دخالت بر نمی‌دارند. باید کار لبنان را به لبنانی‌ها سپرد. این دخالت‌ها بود که پول عربستان در لبنان آتش افروخت و بعد هم پول ایران اسلامی که حزب‌الله را ایجاد کرد.

در لبنان ۱۷ گروه اجتماعی را به رسمیت شناخته‌اند و نظام قومی- مذهبی را به جای دموکراسی به مردم قالب کرده‌اند. (قانون اساسی را بنگريد). اینک دولت نیم بند عراق میان شیعیان و کردها تقسیم به نسبت شده است (۱۶ وزیر شیعه - ۸ وزیر کرد- احتمالاً) یعنی این که گروه سنیان و مسیحیان سهمی ندارند. چنین دولتی دو ایراد دارد اول آن که فرقه‌ای و قومی و مذهبی است دوم آن که از لحاظی انتقامی است که از سنیان گرفته می‌شود. لذا پای این دموکراسی می‌لنگد. این نظام را می‌شود تا حدی قانونی خواند ولی اطلاق صفت دموکراتیک بر آن شدنی نیست. به خصوص که روحیه انتقام‌جویی بیجا و اغماص ناپیداست. خوب که فکر کنیم عراق امروز به جایی رسیده است که لبنان در ۱۹۴۶ رسیده بود.

چنین فرض می‌شود که خاورمیانه تکان خورده است! و جهان عرب به حرکت در آمده. در کنگره سران عرب در الجزیره (هفدهمین نشست- مورخ ۱۶ مارس) از ۲۲ تن سران تنها ۱۳ تن شرکت

خواهد ماند. به این معنی که آمریکا باید از بابت پنجاه سال آینده در امر نفت خاطر جمع باشد.

- افزایش بهای نفت به هر دلیل که باشد قدرت خرید ممالک نفت فروش را بالا نخواهد برد. در مورد ایران این در آمد اضافی صوری است. ایران نیاز به ۷۰ میلیارد دلار برای اصلاح امور نفتی خود دارد و مسلماً خرید این سرویس‌ها و خدمات در آمد اضافی را می‌بلعد. در این حال بسیاری از شرکت‌های ایرانی خدمت‌رسان دچار بحران خواهند شد. ایران وابسته‌تر و دست‌بسته‌تر می‌شود حتی آقای غنیمی فرد مدیر امور بین‌المللی شرکت نفت ملی ایران این حقیقت را افشا کرده است (روزنامه صبح اقتصاد- شماره ۱۱ اسفند ۸۳). در پایان چهارمین کنگره ملی انرژی و اقتصاد- در تهران نتایج بدست آمد! از جمله آن که در بخش مصرف انرژی، ایران در تمام زمینه‌ها مصرفش دو برابر استانداردهای جهانی است. این امر حاکی از این است که ما به درد ضعف فنی در ابزار و ادوات و به بلای مصرف کاذب و هدر دادن قدرت خرید دچار هستیم.

دیپلماسی شور و شیرین غرب در بعد دخالت‌ها در همه جا در جا خواهد زد. ولی دیپلماسی توسعه تجارت جهانی کارساز است. هم در جهت دموکرات کردن نظام‌ها و هم در جهت دوری از جنگ‌های یک طرفه.

وقتی روسیه مدرن و دینامیک ناتوان از به کار بستن همه ضوابط دموکراتیک نوع غربی باشد نباید توقع انقلاب دموکراتیک در خاورمیانه داشت. تنها از طریق تجارت جهانی و حرمت استقلال کشورها و غرور ملی و میهنی ملل است که می‌توان به صلح و امنیت و تعادل دموکراتیک رسید. آیا غرب از این دیدگاه دور است؟

همه. جلوه‌های تازه دیپلماسی شور و شیرین آمریکا در شرف ظهورند. انتصاب WOLFOWITZ به ریاست بانک جهانی آغازی است بر انتصاب‌هایی دیگر در سطح کلیه سازمان‌های جهانی که کلید جنگ و صلح را از باب نفوذی که دارند صاحب‌اند. احتمالاً آمریکا که سه پست بی‌ضرر به رفقای اروپایی می‌سپارد (از جمله کمیسر عالی مهاجران به برنارد کوشنر فرانسوی سوسیالیست می‌رسد). ولی در مورد صندوق مالی جهانی و سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل گذشت و مسامحه در کار آمریکا نیست. -در مورد بهای نفت و تسلط بر سرزمین‌های پر ذخیره نفتی مسلماً قاطعیت آمریکا پا بر جا